



عابران، مخل عبور

عابران پیاده گرچه بی‌دفاع و مظلوم به نظر می‌رسند، اما رفت و آمدشان در خیابان وقتی از چارچوب درست خارج می‌شود از آنها یک مخل نظم می‌سازد.

عابران پیاده گرچه بی‌دفاع و مظلوم به نظر می‌رسند، اما رفت و آمدشان در خیابان وقتی از چارچوب درست خارج می‌شود از آنها یک مخل نظم می‌سازد.

بیشتر عابران پیاده از پل‌های هوایی به بهانه این که نمی‌توانند از پله‌های بی‌شمار آن بالا بروند، استفاده نمی‌کنند. بیشتر آنها از هر نقطه خیابان که راحت‌ترند عبور می‌کنند نه از مکان‌هایی که باید.

خط‌کشی عابر پیاده در نظر بیشتر آنها بی‌معنی است و اگر کسی از آنها بخواهد عرض خیابان را فقط از روی خط‌کشی‌های مخصوص عابر پیاده طی کنند زیر بار نمی‌روند و بهانه می‌آورند.

برای همین است که در طول سال، عابران زیادی کشته و زخمی می‌شوند و حواشی این اتفاقات دامن خانواده‌های زیادی را می‌گیرد، در حالیکه اگر عابران پایبند رعایت قانون بودند و خودسرانه و غافل در خیابان‌ها تردد نمی‌کردند، آدم‌هایی که حالا در شهر مردگانند، زنده بودند.

البته گروهی از عابران پیاده که حالا در جمع کشته‌شدگان تصادفات شمرده می‌شوند، قربانی اشتباه رانندگان می‌شوند، مثل آنها که در پیاده‌راه در حرکت هستند و ناگاه ماشینی با شتاب به پیاده‌راه وارد می‌شود و همه را زیر می‌گیرد یا عابری که خودروی تصادفی در حالی که در هوا معلق می‌خورد روی سر او فرود می‌آید.

اما از اینها که بگذریم بیشتر عابران اخلاق‌مدار نیستند. در فرهنگ ما کسی که ساده‌ترین راه را برای رسیدن به هدف انتخاب کند حتی اگر آن راه خطرناک‌ترین گزینه باشد خود را زرنگ می‌داند و همین فرهنگ زرنگ بازی کار دست عابران می‌دهد.

عابران بی‌اخلاق چند دسته‌اند. گروهی از آنها از پل‌های هوایی استفاده نمی‌کنند و وقتی می‌خواهند از عرض خیابان بگذرند در حالی که می‌بینند حق تقدم با خودروهاست، اما از رانندگان انتظار همکاری دارند و همکاری از دید آنها یعنی ایست راننده و ترمز کردن سریع او به افتخار ورود عابر پیاده.

برخی نیز از هر مانعی می‌پرند حتی اگر آن مانع نرده‌های بلند وسط خیابان‌ها باشد که با زبان بی‌زبانی هشدار می‌دهد اینجا محل عبور نیست، اما بسیاری از عابران دور‌خیز می‌کنند، با مهارت دست‌هایشان را روی نرده‌ها محکم می‌کنند و بعد پاهایشان را با شتاب از روی نرده‌ها عبور می‌دهند.

برخی هم میان نرده‌ها دنبال جایی می‌گردند که بازتر از نقاط دیگر باشد و با کمی کش و قوس بدنشان را از لای آن رد کنند.

تا به حال عابران زیادی که به این طریق قصد عبور از خیابان را داشته‌اند، کشته شده‌اند. آنها با این کار به حریم خیابان که متعلق به ماشین‌هاست تجاوز کرده‌اند و تاوان این تجاوز را نیز با خون خود داده‌اند، اما مرگ آنها هنوز مایه عبرت دیگران نشده است.

بیشتر عابران پیاده برای چراغ‌های راهنمایی که به آنها فرمان حرکت و ایست در نقاط پرخطر را می‌دهد نیز تره‌خره نمی‌کنند. آنها که می‌پندارند چراغ سبز و قرمز و نارنجی فقط برای ماشین‌هاست انتظار دارند هر زمان که اراده می‌کنند از عرض خیابان بگذرند و کسی هم متعرض آنها نشود.

این عابران پیاده، همیشه حق را به خودشان می‌دهند، چون فکر می‌کنند سیل ماشین‌های جاری در خیابان که تمامی هم ندارد به آنها حق می‌دهد از بین آن همه ماشین، راهی برای خود باز کنند و در آن سوی خیابان دنبال کارشان بروند.

به این ترتیب اگر راننده ای به آنها راه ندهد از دید آنها آدم بی فرهنگی است که باید جلوی حرکتشان را گرفت، آنها را از پشت رل پایین کشید و یک مشت روانه صورتشان کرد.

برخی عابران این ایده را واقعا عملی می کنند و برای احقاق حق (بظاهر) از دست رفته شان وارد درگیری های خونین می شوند تا آنجا که در اخبار حوادث می خوانیم درگیری راننده و عابر پیاده رنگ خون گرفت.

اما اگر این عابران پیاده کمی از قانون آگاه باشند و بدانند در مواردی که عبور عابر پیاده از یک محل ممنوع است اما او عبور می کند، راننده ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حرکت بوده و وسیله نقلیه اش نیز نقص فنی نداشته اگر با عابر برخورد کند و باعث مرگ یا مصدومیت او شود از بابت پرداخت خسارت و دیه، حقی بر گردنش نیست، آن وقت شاید کمی دست به عصا تر در معابر تردد کند.

راستی عابران پیاده ای که همواره از نحوه رانندگی رانندگان گلایه دارند و از تجاوز آنها به حقوق مردم ناراضی اند وقتی خودشان پشت رل می نشینند چقدر به حقوق عابران پیاده احترام می گذارند و در برخورد با آنها مطابق موازین اخلاق رفتار می کنند؟